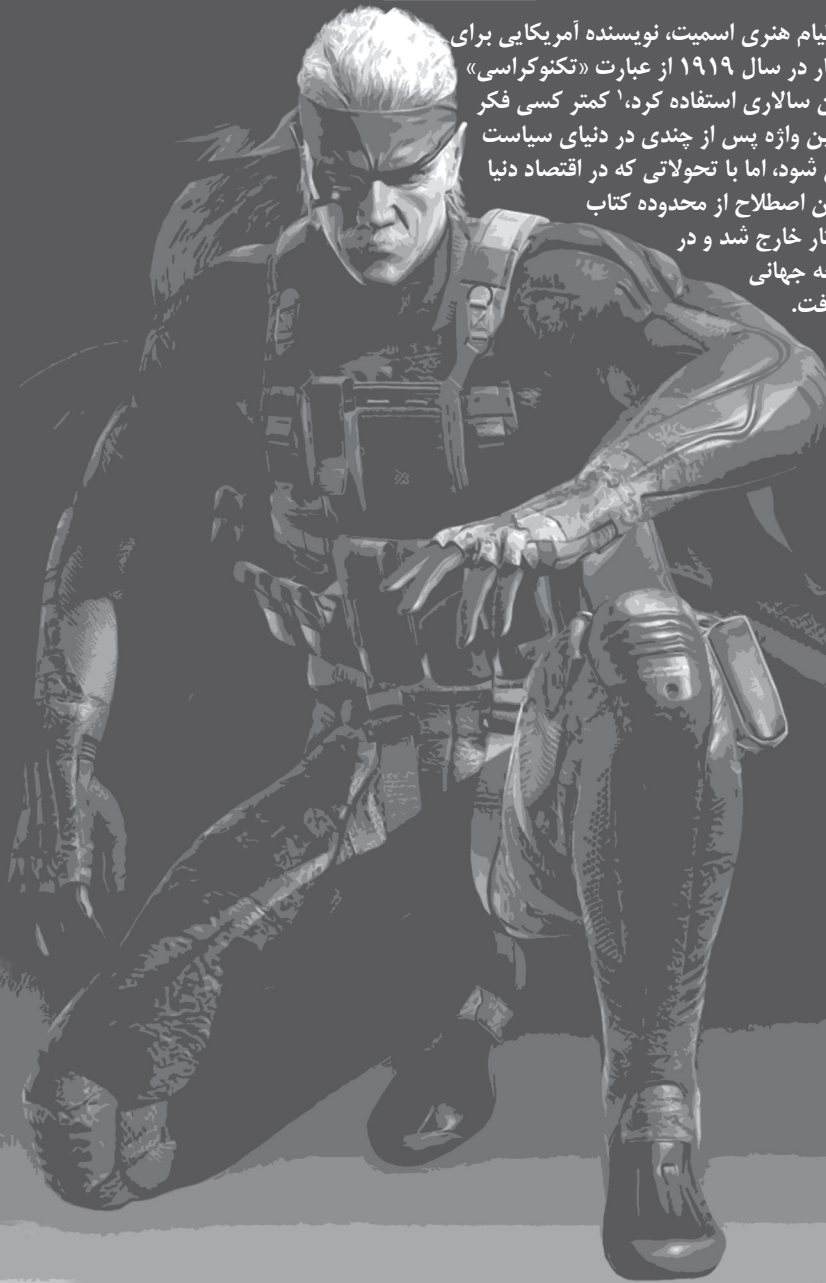


# وقتی تکنیک حرف اول را بزند!

زهرا رضائیان

وقتی ویلیام هنری اسمیت، نویسنده آمریکایی برای نخستین بار در سال ۱۹۱۹ از عبارت «تکنوکراسی» یا فن سالاری استفاده کرد،<sup>۱</sup> کمتر کسی فکر می کرد این واژه پس از چندی در دنیای سیاست نقش آفرین شود، اما با تحولاتی که در اقتصاد دنیا رخ داد، این اصطلاح از محدوده کتاب و نوشتار خارج شد و در متن جامعه جهانی قرار گرفت.



## زمینه‌های پیدایش تکنوکراسی

با بروز بحران اقتصادی در دنیا در دهه ۱۹۳۰ متخصصین فعالیت خویش را برای نجات از این بحران آغاز کردند که نتیجه آن تشکیل کمیته تکنوکراسی در دانشگاه کلمبیای آمریکا در سال ۱۹۳۲ شد.<sup>۲</sup> از نظر افراد حاضر در این کمیته، از جمله هوارد اسکات که در رأس این افراد قرار داشت، سیستم اقتصادی که براساس سیستم قیمت‌ها تنظیم می‌شد، دیگر پاسخ‌گو نبود؛ زیرا با آن سیستم جامعه به سمت و امدارشدن سرعت گرفته از پیشرفت‌های فنی واپس می‌ماند و نتایج سنگینی برای قیمت‌ها و ثبات اجتماعی در پی می‌آورد. بنابراین برای رهایی از چنین شرایطی، می‌بایست واحد تازه‌ای برای سنجش ارزش در نظر گرفت که اساس آن قوانین ثابت فیزیکی باشد؛ انرژی تولید همان واحد بود که می‌توانست نظر آنان را تأمین کند. حاصل چنین تفکری این بود که حکومت به دست فن‌شناسان افتاد.<sup>۳</sup>

پس از چندی با گسترش و پذیرش اقتصاد برنامه‌ای، این افکار در بسیاری از کشورهای اروپایی رواج یافت. فرانسه در سال ۱۹۶۰ به دنبال نظریه‌های سن سیمون به این تشکیلات روی آورد. این فیلسوف اجتماعی معتقد بود می‌بایست حکومت به دست دانشمندان و مهندسان اداره شود؛ چرا که وکلا، قضات و جماعت کارمند ذاتاً غیر مولد و طفیلی مآب هستند.<sup>۴</sup> چنین دیدگاهی، حکومت‌داری را نه تنها در توان مهندسان، بلکه همه متخصصان تحصیلکرده در همه رشته‌های گوناگون می‌داند که می‌توانند به خوبی رشته امور اداری و تدبیر اداره امور مردم را به عهده گیرند؛ همچنان که در جوامع امروزی اروپایی، اکثریت قریب به اتفاق مقامات دولتی و اداری، متخصصان تحصیل کرده هستند که در زمینه برنامه‌ریزی اقتصادی، طرح‌ریزی‌های استراتژیک سیاسی، نظامی و گسترش علم و پژوهش به فعالیت مشغولند.

## تکنیک، برتر از همه چیز

تکنوکراسی پدیده جدیدی است که با پیشرفت علوم و فنون و نقش روزافزون دانش و تخصص در کار حکومت به وجود آمد و در بسیاری از کشورهای پیشرفته، کارشناسان و صاحبان فن که بر ماشینیسیم و دانش فنی و مهارت‌های تکنولوژیک تکیه دارند، یعنی همان مهندسان و دانشمندان که تکنوکرات‌ها خوانده می‌شوند، بدون توجه به عقاید سیاسی و خصوصیات طبقاتی،

**سن سیمون  
فیلسوف اجتماعی  
معتقد بود می‌بایست  
حکومت به دست دانشمندان  
و مهندسان اداره شود؛ چرا که  
وکلا، قضات و جماعت کارمند  
ذاتاً غیر مولد و طفیلی مآب  
هستند.**

حساس‌ترین و مهم‌ترین کارها را به دست گرفته‌اند. در این دیدگاه با پیشرفت دانش و فن، عقاید سیاسی اشخاص، تحت الشعاع علم و تخصص آن‌ها قرار می‌گیرد و حزب یا احزابی که با به دست آوردن اکثریت در پارلمان، حکومت را به دست می‌گیرند، در کار حکومت و اموری که به تخصص نیاز دارد، از افراد غیر حزبی و حتی اعضای متخصص حزب مخالف استفاده می‌کنند.<sup>۵</sup> از دیدگاه این جریان، با توجه به روند فزاینده علم، بایستی گردانندگان امور کشور از میان دانشمندان و اهل فن، به عنوان یک طبقه ذی نفوذ جامعه مدرن، پس از سرمایه‌داران، قوی‌ترین طبقه با نفوذ در جوامع مدرن محسوب شوند.

در جامعه‌ای که تکنوکراسی اداره امور را در دست دارد، ابزار و آلات، نقش کلیدی در اندیشه‌های فرهنگی آن جامعه بر عهده دارند. در این جامعه، ابزار تکنیک در اجتماع و فرهنگ هم نمی‌شود، بلکه به آن هجوم برده و به فرهنگ آن جامعه تبدیل می‌شود. این جریان، فن و تکنولوژی را برتر از هر چیزی، حتی مذهب دانسته، فن سالاری را برتر از هر اصلی می‌شمارد و معتقد است صنعت و تکنولوژی بالاتر و مهم‌تر از همه اصول است؛ از این رو، فن سالاران مستحق حکومتند.

در حقیقت، جریان تکنوکراسی همان تقسیم میان علم و دین در دوره رنسانس است که دین بایستی به نفع علم کنار رود. این جریان معتقد است مغزها و دست‌های تکنوکرات‌ها می‌توانند به چه خوبی چرخ‌های حکومت را به گردش درآورند، اما از این نکته نباید غافل شد که بشر برای رسیدن به سعادت و خوشبختی، قبل از هر چیز بایستی برای شخصیت خود به عنوان عالی‌ترین تجلی زندگی، ارزش و اهمیت قائل شود.

خوب چرخاندن چرخ‌های تکنولوژی توسط تکنوکرات‌ها، دلیل بر این نیست که آن‌ها می‌توانند چرخ‌های حکومت را هم به خوبی به گردش درآورند؛ چرا که تکنوکراسی به عنوان یک سبک فکری و یک دام اجتماعی بر این باور است که همه مسائل تمدن انسانی، مسائلی فنی است که با دانش موجود و سریع الوصول قابل حل می‌باشد. در این دیدگاه، سیاست قابل تقلیل به یک علم است که در آن تصمیمات سیاسی باید محصولات آزمایش‌ها و استدلال‌های علمی و کاملاً مستقل از تمایلات و عواطف انسانی باشد. جهان‌نگری تکنوکراتیک به گونه‌ای ناخود آگاه مبنی بر قائل شدن به ماهیت فنی برای همه مشکلات و مسائل است؛<sup>۶</sup> اما اوراق تاریخ پر است از موارد رویکرد صرف بشر به مادیتی که هیچ‌گاه او را به سعادت و خوشبختی رهنمون نشده و

اگر سعادتی هم بوده، پوسته‌ای بود که به سرعت خشک شد و فرو ریخت.

### تکنوکراسی در ایران

جریان تکنوکراسی ایران طی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ (که دهه طلایی احزاب ایران نام دارد) شکل گرفت؛ همان سال‌ها که شاه جوان پس از سقوط پدرش از سلطنت، به تاج و تخت رسید و هنوز در این تردید دست و پا می‌زد که آیا می‌تواند از عهده تعهداتش نسبت به ولی نعمتان خود برآید یا خیر.

در این دوره تحصیل کردگان غرب همچون حسین مکی، رسول مهربان، خواجه نوری، محسن نصر و ... که با ایده‌های تکنوکراتیک خود از فرنگ بازگشته بودند، می‌خواستند طرحی نو برای ساز و کار اداره جامعه فلاکت زده آن روز ایران دراندازند و با رشد و توسعه اقتصادی، سطح فرهنگی جامعه را ارتقا بخشند. این افراد با تأسیس کانون مهندسان ایران در سال ۱۳۲۱، برنامه‌ها و شعارهای خود مبنی بر «توسعه صنعتی، مقدم بر سایر انواع توسعه» را مطرح کردند.<sup>۷</sup> پس از چندی با شرکت در انتخابات، چند نماینده نیز به مجلس چهاردهم فرستادند و از آن پس به فکر تأسیس حزب افتادند<sup>۸</sup> و شعارهایی چون وطن پرستی، آزادی خواهی، ناسیونالیسم، تعدیل ثروت، بسط عدالت و مبارزه با فساد را در میان احزاب آن روز مطرح کردند.

پس از چندی حزب میهن که متشکل از سه حزب پیکار، استقلال و میهن پرستان بود به این حزب پیوست که با نام حزب ایران تأسیس شد و مرامنامه خود مبنی بر حفظ استقلال کامل کشور و پشتیبانی از اصول دموکراسی، استقرار عدالت اجتماعی و کوشش در بهبود وضعیت مادی ملت از راه توجه به کشاورزی و صنعت و بهره‌برداری از تمامی ثروت مملکت و نیز تهذیب اخلاق و تعمیم فرهنگ و تأمین بهداشت عمومی را صادر کرد. پیوستن این سه حزب و اتحاد آنان با یکدیگر سبب افزایش نفوذ و قدرت حزب ایران شد.<sup>۹</sup>

در تیر ماه ۱۳۲۵ با رأی اکثریت اعضای

کمیته مرکزی حزب ایران، میان این حزب و حزب توده، ائتلافی به وجود آمد که اشتباهی بزرگ برای حزب ایران تلقی شد؛ چرا که حزب توده با داشتن انسجام و سازمان درونی بسیار مناسبی که در جامعه آن روز ایران داشت، به علت گرایش‌های مارکسیستی و وقوع حوادث آذربایجان و کردستان در آن روزها و اشغال بخشی از ایران توسط شوروی از جایگاه مناسبی برخوردار نبود.<sup>۱۰</sup> این ائتلاف سبب شد تا با به رسمیت شناختن شورای متحده کارگران که منتسب به حزب توده بود، این حزب یگانه نماینده و متشکل کننده کارگران شناخته شود و حزب ایران، هم کارگران را از دست داد و هم حق تشکیلات کارگری از آن سلب شد؛<sup>۱۱</sup> ضمن آن که به پایگاه حزب ایران، در میان سیاستمداران، روشنفکران و به طور کلی در اذهان عمومی جامعه حزب ایران به شدت لکه‌دار شد؛ چرا که حزب توده از ناآگاهی مردم درباره مفهوم ائتلاف و الحاق، به خصوص در شهرستان‌ها، سوء استفاده کرد؛ به طوری که فردای ائتلاف در برخی شهرستان‌ها مردم تابلوهای حزب ایران را برچیدند.<sup>۱۲</sup> اما این حزب همچنان به تلاش‌های خویش در عرصه سیاست ادامه می‌داد. از این رو بود که در صحنه بین‌المللی برای ملی کردن صنعت نفت نیز گام برداشت. مهندسان و اعضای مرکزی حزب ایران با مشخص کردن ضرر و زیان فعالیت شرکت نفت ایران و انگلیس و نیز قراردادهای پیشنهادی نفتی که در فاصله سال‌های ۱۳۲۹ - ۱۳۲۶ به دولت ارائه شد، گامی مهم و کمک ارزنده‌ای در راه اعتلای نهضت ملی شدن نفت ایران برداشتند.<sup>۱۳</sup>

در سال ۱۳۲۸ که جبهه ملی تشکیل شد، فعالیت حزب ایران در قالب این جبهه صورتی دیگر به خود گرفت؛ چرا که حزب ایران ستون اصلی جبهه ملی بود. این حزب پس از ملی شدن صنعت نفت، در دولت مصدق نیز به فعالیت پرداخت و با وقوع کودتای ۲۸ مرداد

۱۳۳۲ که تمامی احزاب و مطبوعات دچار محدودیت یا ممنوعیت فعالیت شدند، رهبران این حزب نیز همچون دیگر رهبران احزاب طرفدار مصدق تحت تعقیب قرار گرفتند و بسیاری از آنان بازداشت و از مشاغل دولتی بر کنار شدند. اما برخی از اعضای این حزب بعدها در نهضت مقاومت ملی به فعالیت خود ادامه دادند و دوره جدیدی از تاریخ این حزب را آغاز کردند. در این شرایط، گرایش حزب ایران به سوی آمریکا بود، اما پس از تأسیس ساواک در سال ۱۳۵۵ این حزب به بهانه کنترل یا سرکوب که در راستای تسلط رژیم بر امور سیاسی و امنیتی بیشتر بود، منحل شد. پس از گذشت چندین سال با حوادثی همچون اصلاح قانون انتخابات، اصلاحات ارضی، تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی و ... که در کشور به وجود آمد، جبهه ملی و برخی احزاب که فضا را مناسب دیدند، به تجدید حیات سیاسی خود دست زدند.<sup>۱۴</sup>

در ۳۰ تیر ۱۳۳۹ مصادف با قیام سی ام تیر، جبهه ملی دوم با حضور بازرگان و تنی چند از نهضت آزادی، تشکیل شد، اما این حزب نیز چندی دوام نیاورد و فعالیت‌هایش در سال ۱۳۴۲ متوقف شد.<sup>۱۵</sup> پس از واقعه قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ حزب ایران که تاکنون به صورت مخفیانه جلساتی را برگزار می‌کرد، سعی کرد با طرفداری از امام علیه السلام از سویی رژیم را تحت فشار قرار دهد و از سویی دیگر با نزدیک شدن به روحانیت، از نفوذ آنان به عنوان عنصری اساسی در صحنه مبارزات سیاسی استفاده کند. اما اختلافات میان اعضای این حزب و طرفداران امام خمینی علیه السلام و نیز اختلافات درونی و فشار رژیم سبب شد کارایی جبهه ملی بیش از پیش کاهش یابد و بسیاری از اعضای حزب ایران که در اداره‌های مختلف مشغول به کار بودند، اخراج شدند.<sup>۱۶</sup> با شروع دهه ۵۰ جبهه ملی با حمایت از سازمان‌های چریکی سعی

کرد اعضای وابسته به خود را از نظر تئوری و عملی با فعالیت‌های مسلحانه آشنا سازد. بنابر این از اواسط این دهه با حمایت از سازمان مجاهدین خلق ایران (منافقین) فعالیت خود علیه رژیم شاهنشاهی را شدت بخشید.<sup>۱۷</sup> آن‌ها کوشیدند تا با نزدیک شدن به روحانیت به فعالیت‌های خویش بیشتر و بهتر ادامه دهند، اما اختلاف آنان با روحانیت سبب شد تا نتوانند در این زمینه موفقیتی کسب کنند؛ چرا که جبهه ملی، قانون اساسی رژیم را قبول داشت و در همان حیطه به فعالیت علیه رژیم می‌پرداخت، اما روحانیت که در رأس آن‌ها امام خمینی ره بود، از اساس، خواهان براندازی رژیم بودند.<sup>۱۸</sup>

سرانجام با پیروزی انقلاب اسلامی، برخی از سران حزب به خارج از کشور فرار کردند و برخی نیز سیاست کناره‌گیری کردند. حزب نیز با واکنش منفی در قبال قانون اساسی جدید، عملاً از پذیرش حکومت اسلامی سرباز زد.

پس از انقلاب نیز تکنوکرات‌ها در جریان پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی با شعارهای عزت اسلامی و توسعه و آبادانی اعلام حضور نمودند. اکنون این تفکر در میان عده‌ای از مسئولان اجرایی جایگاه ویژه‌ای دارد، اما این نکته اساسی و مهم را نباید از یاد برد که «اگر حکومت فن سالاران و تکنوکرات‌ها و به عبارتی حکومت علم، گسیخته از ارزش‌ها باشد، دولت پشتوانه مذهبی خود را از داخل و پشتوانه هیجانات انقلاب مردم دنیا را از خارج، از دست داده و مجبور است با تکیه بر دولت‌ها پایگاه خود را تعریف کند و این بدان معنا است که بیگانگان بتوانند شرایطی فراهم کنند و با ایجاد فشارها و اعمال ضوابطی، زمینه‌های بازنگری در قانون اساسی و تغییر ساختار سیاسی، فرهنگی انقلاب اسلامی را ایجاد کنند».<sup>۱۹</sup>

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. داریوش آشوری، دانشنامه سیاسی، تهران، مروارید، ۱۳۷۳، ص ۲۴۵.
  ۲. علی رحیق اغصان، دانشنامه در علم سیاست، تهران، فرهنگ صبا، ۱۳۸۶، ص ۳۸۱.
  ۳. دانشنامه سیاسی، ص ۲۴۵.
  ۴. ژاک بیللی، فن سالاران، مترجم سیروس سعیدی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۲، ص ۱۰.
  ۵. محمد طلوعی، فرهنگ جامع سیاسی، تهران، بی‌نا، ۱۳۷۲، ص ۳۵۸.
  ۶. برنارد کریک، دفاع از سیاست، ترجمه فرهاد مشتاق صفت، تهران، کتاب روز، ۱۳۷۸، ص ۱۲۹.
  ۷. مسعود کوهستانی‌نژاد، حزب ایران مجموعه‌ای از اسناد و بیانیه‌ها (۱۳۳۲ - ۱۳۲۳ ش)، تهران، شیرازه، ۱۳۷۹، ص ۳.
  ۸. احمد ریزک‌زاده، خاطرات، به کوشش دکتر ابوالحسن ضیاء ظریفی و دکتر خسرو سعیدی، تهران، نیلوفر، ۱۳۷۶، ص ۷۰.
  ۹. اسناد احزاب سیاسی ایران، (۱۳۲۰ - ۱۳۳۰ ش)، به کوشش بهروز طبرانی، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۶، ج اول، ص ۱۸۵.
  ۱۰. کریم سنجان، امیدها و ناامیدی‌ها، لندن، انتشارات جبهه ملیون ایران، ۱۳۶۸، ص ۷۲.
  ۱۱. خاطرات، به کوشش دکتر ابوالحسن ضیاء ظریفی و دکتر خسرو سعیدی، ص ۱۰۴.
  ۱۲. همان.
  ۱۳. حزب ایران مجموعه‌ای از اسنادها و بیانیه‌ها (۱۳۳۲ - ۱۳۲۳ ش)، ص ۱۹.
  ۱۴. روح الله بهرامی، اسنادی از احزاب سیاسی ایران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۲۴.
  ۱۵. امیدها و ناامیدی‌ها، ص ۲۲۰.
  ۱۶. [www.noormags.org/view/magazine/view.aspx?Artid=81182](http://www.noormags.org/view/magazine/view.aspx?Artid=81182).
  ۱۷. همان.
  ۱۸. همان.
۱۹. [www.bashgah.net/pages19.html](http://www.bashgah.net/pages19.html) - ۲۲۸۰.

**حزب  
توده از ناآگاهی  
مردم درباره مفهوم  
ائتلاف و الحاق، به خصوص در  
شهرستان‌ها، سوء استفاده کرد؛  
به طوری که فردای ائتلاف در برخی  
شهرستان‌ها مردم تابلوهای حزب ایران  
را برچیدند. اما این حزب همچنان به  
تلاش‌های خویش در عرصه سیاست  
ادامه می‌داد. از این رو بود که در  
صحنه بین‌المللی برای ملی  
کردن صنعت نفت نیز  
گام برداشت.**

**با شروع دهه  
۵۰ جبهه ملی با حمایت  
از سازمان‌های چریکی سعی  
کرد اعضای وابسته به خود را از  
نظر تئوری و عملی با فعالیت‌های  
مسلحانه آشنا سازد. بنابر این از  
اواسط این دهه با حمایت از سازمان  
مجاهدین خلق ایران (منافقین)  
فعالیت خود علیه رژیم  
شاهنشاهی را شدت  
بخشید.**